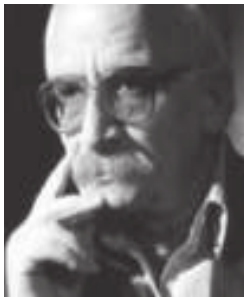


حیز بقدان چیخما بالا



حمید آرش ازاد

بگنمهدی!

یوخسول گزوروب او یار من زاری، بگنمهدی مین گول دریب، آياقلادی، خاری بگنمهدی کؤنلوم انونین خرابه قویوب بیرجه حملده صبری تالان ونردی، قراری بگنمهدی قاش-کپیریکابله سینه‌می یوز یتردن اوخلادی سالدی آياقدان، اوندا شکاری بگنمهدی لاپا چیراغی اولزی چیخیب، فالخلدی رفاخره قیرجانندی چیلچیراقلارا، شاری بگنمهدی بیر چیمدیک ات گلب جانینا، بانخ افاده‌یه کور بویبو ششیدی، چشم خماری بگنمهدی قیر ات بلیننده چیخدی اژوروندن کنچل گده آهو باخیشلی، نازلی نیگاری بگنمهدی ائشکدن انندی، بنزی مینیب گلدی جؤلانا طیاره‌ایلسه گزدی، قاطاری بگنمهدی بیر گون اتاردی بیر قیرانا گولله ایندی گل گوزکی، فرانسی، مارکی، دلاری بگنمهدی قلب پول اژوزون بازاردا گزوروب، مشبه دوشوب ویتیرینده ایرمی دورد عیساری بگنمهدی عؤمرونده اییده دادماییب، ایندی موزو تیخان نارگیلی دورتدو قارنینا، ناری بگنمهدی شیطان‌سایاق «منم» دیه‌رک اوچدو گؤیلره او سرورو براق سواری بگنمهدی پارتنی گوجو ایله چاتدی بؤیوک منصبه‌لی اوندان سورا بو خلق فنکاری بگنمهدی بایقوشو کیمی فقط اولامافی اندیب پشه قارغانی بی قایبیردی هزاری بگنمهدی بیرجه اژوزون چیخیب، هامی یا اولمک ایسته‌دی هنج بیر اوغورلو شعری، شعاری بگنمهدی هنج نانجیب کتفین گزوروم آلاه ساتاتماسین وقت اولدو سارماشیق‌دا چیخاری بگنمهدی

ادامه از همین صفحه...

حکم جیغ بنفشی را خواهد یافت که برنیامده از حلقوم در هوا گم خواهد شد. یا اگر یخ سنت‌ستیزی بی‌ریشه بگیرد مد زمانه خواهد بود و دیر یا زود بر باد خواهد رفت. کسی که با مد زمانه ازدواج کند، خیلی زود خود را بیوه خواهد یافت. مثلاً کسی که از فارسی چنان متفر است که می‌خواهد حتی یک کلام به فارسی نگوید، ننویسد، نشنود و حتی تحیل نکند، برای یادگیری زبانی دیگر (آلمانی یا انگلیسی فرضاً) دست‌کم در ابتدای راه چاره‌ای جز استفاده از فرهنگ لغت دو زبانه ندارد. این یعنی برای پشت کردن به فارسی هم باید دست‌کم در آغاز از فارسی کمک گرفت. دین حتی بسا ریشه‌دارتر از زبان است. بر این اساس، دین را نمی‌توان به دوگانه ساده‌سازی‌شده کافر-سؤمن فروکاست. چه بسا ازدین‌پریدگانی که در هفت لایه ناخودآگاهشان دین سکنی گزیده است (این نکته را یونگ استادانه تشریح می‌کند) و چه بسا متدیانی که عمیقاً با سنت دینی بیگانه‌اند.

**فرض کنید شخصی دین‌دار و البته اخلاق‌مدار، دینی که از خانواده‌ها به او به ارث رسیده را بدون قید و شرط و اندیشه می‌پذیرد. در طول عمرش، زیست معنوی و اخلاقی پیشه کرده است اما هیچ تفکر آزاد و پرسشی هم درباره دینش نداشته است؛ به عبارت ساده‌تر دین‌داری را تقلید کرده نه تحقیق. در چنین شرایطی باز هم باید دین‌داری محققانه را برتر از دین‌داری مقلدانه دانست و به او گفت: «بهبتر بود تحقیق و پرسش هم درباره دینت می‌داشتی؟»** میردامادی: در پاسخ به پرسش قبل توضیح دادم که میراث‌بری لزوماً امری منفی نیست بلکه بالاتر از آن، میراث‌نابری، تحت شرایطی، آدمی را از مواهب گذشته محروم می‌کند. انسان موجودی تاریخ‌مند است و زندگی‌اش را از صفر شروع نمی‌کند و نباید در حالت ایده‌آل چنین کند. میراث‌بری نشانه تاریخ‌مندی و اجتماعی بودن آدمی است. گرچه جسییدن به گذشته هم کیفیت زندگی امروز آدمی را پایین می‌آورد و در مواردی مختل می‌کند. اما تقلید، از باب رجوع جاهل به عالم، نه تنها غیر عقلایی نیست بلکه اقتضای گریزناپذیر زیست عقلایی است. از سوی دیگر، تحقیق هم همیشه به معنای ارائه دلیل گزاره‌ای نیست. کسی که زیست معنوی و اخلاقی با ثباتی دارد وضعیت او به خودی خود دلیل دین‌دار زیستن‌اش است، حتی اگر وقتی از او بپرسند نتواند دلیل بدهد. به تعبیر دیگر، وضع چنین کسی خود عین دلیل است. معرفت‌شناسان تمایزی می‌نهند میان «موجه بودن» (being justified) و «توجیه داشتن» (having justification). گاهی آدمی موجه است بی آن‌که توجیهی (دلیل گزاره‌ای) داشته باشد. مثلاً کسی که عاشق شده و این عشق، سراسر رنگ مهر و وفا، لطافت و صفا به زندگی او زده در عاشق بودن موجه است، حتی اگر وقتی از او بپرسند نتواند دلیلی برای موجه بودن عاشقیت‌اش بیاورد. به شکل مشابهی می‌توان گفت کسی که دین‌داری او موجب شده که سراسر زیست معنوی، معنادار و زندگی اخلاقی با ثبات داشته باشد در دین‌داری موجه است، حتی اگر توجیهی برای دین‌داری خود نداشته باشد و حتی دنبال توجیه نباشد.

ادامه دارد...

کاهش ازدواج و افزایش طلاق در کدام استان‌ها بحرانی است؟

حدود ۹۷۰ میلیون نفر در دنیا با اختلال روانی مواجه هستند. در ایران اما وضعیت نسبت به میانگین جهانی وضعیت بدتر است. آنتور که رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران گفته حدود یک سوم جمعیت ایران از اختلال روانی رنج می‌برند. افزایش طلاق یکی از تبعات این شرایط است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری اختلالات روانی نقش دارند، از عوامل فردی و اقتصادی گرفته تا آسیب‌های اجتماعی. آنتور که متخصصان حوزه سلامت روان می‌گویند با افزایش فقر، نابرابری و خشونت میزان اختلالات روانی هم افزایش می‌یابد.

روز دوشنبه همایشی به مناسبت روز جهانی سلامت روان در دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد و متخصصان حوزه سلامت روان به وضعیت کشور در این مورد و راهکارهایی برای حفظ سلامت و پیشگیری از طلاق دچار افسردگی می‌شود. افزون بر آن دوران کرونا موجب تشدید مشکلات روان‌شناختی و آسیب‌های اجتماعی شده است.» فتحی آشتیانی در ادامه مشخصاً به مسئله طلاق و وضعیت آن در ایران و جهان پرداخت. او گفت: «بررسی آمارها نشان می‌دهد که آسیب‌های اجتماعی و مشکلات روان‌شناختی نسبت به سال‌های گذشته افزایش داشته و به طور

می‌تواند منجر به اختلال روانی به ویژه افسردگی شود. آمار ناراحت‌کننده آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق، خشونت، اعتیاد به



مواد و الکل، خیانت ... و لزوم توجه جدی به این موضوع را دو چندان می‌کند. موارد زیادی داریم که فرد حتی به اصرار خود طلاق می‌گیرد اما بعد از طلاق دچار افسردگی می‌شود. فتحی آشتیانی، رئیس سازمان آسیب‌های اجتماعی شده است.» فتحی آشتیانی در ادامه مشخصاً به مسئله طلاق و وضعیت آن در ایران و جهان پرداخت. او گفت: «بررسی آمارها نشان می‌دهد که آسیب‌های اجتماعی و مشکلات روان‌شناختی نسبت به سال‌های گذشته افزایش داشته و به طور

کلی روند صعودی داشته است. طلاق در کشور ما متأسفانه با یک شیب و سرعت بسیار در حال پیشروی است. یکی از مهمترین

رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران گفت: «۱۰ استان کشور که از نظر افزایش طلاق و کاهش ازدواج وضعیت بحرانی دارند هم می‌توان از خراسان رضوی، تهران، البرز، مازندران، گیلان، فارس، اصفهان، قم، کرمانشاه و مرکزی نام برد.»

وی درباره عوامل طلاق در ایران توضیح داد: «در سال ۱۴۰۰ ایران توسعه سیستماتیک در این مورد انجام دادم. در این مطالعه به ترتیب ۲۰ مورد از مهمترین عوامل طلاق طی ۱۰ سال گذشته بررسی شد.»

۲۰ موردی که در این مطالعه تغییرات اجتماعی طی یک دهه گذشته طلاق است. آنچه در ادامه می‌آید آمارهای طلاق و ازدواج در کشور در سال‌های اخیر است.»

فتحی آشتیانی گفت: «در سال ۱۳۷۹ به ازای هر ۱۲ مورد ازدواج یک طلاق داشتیم. ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۹ به ازای هر ۶٫۵ ازدواج یک طلاق ثبت می‌شد و در سال ۱۳۹۹ به ازای هر سه ازدواج یک طلاق ثبت می‌شد.»

رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران ادامه داد: «نسبت ازدواج به طلاق در ۲۰ سال گذشته از ۱۲ به یک به کمتر از ۳ به یک رسیده است.»

بشاند.» از این رو یگانه راه حل این است که «مسئله بهبود» برای همیشه از میان برداشته شود و راه حل آن نیز فقط این است که یهودیان نیز به ملتی مانند دیگر ملت‌ها تبدیل شوند؛ ملتی که زمین و حکومت خود را دارند و راه رسیدن به این هدف نیز بازگشت به سرزمین مقدس نیست.

تئودور هرتسل را عموماً مهمترین چهره نظری صهیونیسم می‌دانند. هرتسل از تمام نویسندگانی که تاکنون بدان‌ها اشاره کردیم تاثیر گرفته بود. هرتسل در نخستین گام بنای «ژانز صهیونیسم» را گذاشت و بعد شروع به مذاکره با مقامات حکومت‌ها کرد. هرتسل به جاذبه بی‌پدیل سرزمینی بی برد که جهانیان آن را فلسطین می‌نامیدند اما یهودیان به آن اسرائیل می‌گفتند. در آن زمان فلسطین تحت سلطه امپراطوری عثمانی بود. هرتسل از مذاکرات با عثمانی به این نتیجه رسید که آن‌ها پیشنهادهای صهیونیست‌ها را نمی‌پذیرند و باید به سراغ دیگران رفت. وی در سال ۱۹۰۲ با جوزف چمبرلین وزیر قدرتمند بریتانیایی راه‌حل ملی برای مسئله یهود معقد بود و به گزینه پیشنهادی هرتسل آن‌ها به سرزمین موعود می‌دانست. در واقع همان‌طور که نوشته می‌نویسد، موزس هس مبانی نوعی نظریه «ژاد»ی را طراحی می‌کند و خواستار «بازایی حکومت یهود» می‌شود. این مهم برای موزس هس با سوسیالیسم سازگار است و گفتار معروف هس این را به روشنی بیان می‌کند: «اصول موسایی، همان اصول سوسیالیستی هستند.» ده دهه بعد از انتشار کتاب موزس هس، یکی از روشنفکران معروف یهودی، یعنی «لئون پینسکر» که پزشک و روزنامه‌نگار معروفی بود به مخالفت با آموزه‌های هس برخاست. پینسکر متولد روسیه بود و اعتقاد داشت رهایی یهودیان به دست خودشان، طبق آموزه‌های کتاب مقدس باطل است. بر اساس باورهای دینی یهودیان نمی‌توانند «خود» به رهایی برسند، بلکه برای رهایی باید در انتظار ظهور مسیح باشند که آن نیز منوط به اراده خداست. در نظر پینسکر یهودیان در دامن ملت‌های میزبان‌شان به راستی عصری ناهمگون هستند و «به همین دلیل یهودی‌هراسی... به منزله مرضی مادرزاد... درمان‌ناپذیر است چرا که باعث شده یهودیان با دعوی قوم برکزیه در معرض نفرت عمومی

صهیونیسم یعنی چه؟



در نتیجه از مردمانی که در میان‌شان زندگی می‌کردند متمایز ماندند و از آن زمان تا عصر حاضر سودایی جز بازگشت به ارض موعود نداشته‌اند. اما بیشتر یهودیانی که در اروپای غربی و مرکزی زندگی می‌کردند خود را نه متعلق به یک قوم برگزیده، بلکه پیرو دینی می‌دانستند که در عمل تنها مطالبه حقوق برابر با دیگر مذاهب را داشت.

بیشتر یهودیان در اروپای شرقی ساکن بودند و در سراسر اروپای شرقی با آن‌ها به گونه‌ای مشخص برخوردی برابر می‌شد؛ به خصوص در امپراتوری روسیه. یهودیان در امپراتوری ژاری فقط گروهی مورد تبعیض که بیشترشان در فقر زندگی می‌کردند نبودند بلکه آن‌ها به برتری فکری و اخلاقی خود باور داشتند.

ایده بازگشت به سرزمین موعود نخستین بار در آثار «موزس هس» مطرح شد. وی در دهه ۱۸۴۰ به عنوان سوسیالیستی معروف شناخته می‌شد و هوادار نظریه‌ای بود که از پیشرفت تاریخ جهان تا رسیدن به جامعه جهانی بی‌طبقه و بی‌دولت میان اقوام یهودی و طرفداران حقوق یهودیان، طرفدار پیدا کنند و به جریان هژمونیک تبدیل شوند.

صهیونیسم در معنای عام آن به معنی ملی‌گرایی یهودی است و در دوران تکوین خود از چند گروه عمده تشکیل می‌یافت. عده‌ای از صهیونیست‌ها ریشه‌های جنبش خود را به عهد عتیق و زمانی می‌رساند که رومی‌ها استقلال قوم یهود را از آن‌ها گرفتند و در نتیجه یهودیان در سراسر زمین پراکنده شدند. از منظر این گروه از صهیونیست‌ها، قوم یهود در تبعید نیز دین خود را با قوانین و آداب خاص خود حفظ کردند و

دین

گفت‌وگوی سعید دهقانی با یاسر میردامادی

چرا مسلمان مانده‌ام؟!

خواه ویران، خواه آباد. زیرا چه بسا خانه پداری ویران نباشد و ما به خط آن را ویران و به تعبیر رایج «کلنگی» به حساب آورده باشیم. چه بسا این خانه با قدری تعمیر هم‌چنان قابل سکونت باشد و نیز ما را به گذشته دور وصل کند و بهتر باشد از این که آن را خراب کنیم و جای آن خانه‌ای نو بسازیم بی هیچ پیوندی با گذشته. شاید هم این خانه نیازمند خراب شدن است اما برای ساختن خانه نو می‌توان از مواد و مصالح خانه قدیم استفاده کرد و خانه جدید را در پیوند با خانه پداری بازسازی کرد. و البته این نیز ممکن است که خانه پداری نیازمند تخریب سراسری باشد و حتی مواد و مصالح آن به کار نیاید؛ اما برای رسیدن به چنین تصمیم بنیان‌برافکنی هم باید خانه ویران پداری را شناخت. پس، از توجه انتقادی به میراث گذشته گریزی نیست.

البته این قدر هست که توجه انتقادی به میراث گذشته دو احتیاط به دنبال می‌آورد: ۱. اگر سنتی متصلب و سنگواره (متحجر) شود و جلوی آزادی و خلاقیت را بگیرد، گورهای ارزشمند احتمالی چنین سنتی ضایع می‌شود. بر این اساس، مشکل ما امروزه نه سنت و میراث



گذشته و نه سنت‌گرایی به خودی خود که تصلب و تحجر در پیروی از سنت است، و حتی بدتر، مشکل ما حکومتی شدن سنت دینی است. ۲. توجه به موروثی بودن سنت‌ها همانا ما را فروتن می‌کند. زیرا دیگرانی که از ما متمایز اند نیز سنتی دارند و در عین به ارث بردن سنت‌مان در حفظ بخش‌های ارزشمند این سنت علی‌الاصول موجه ایم، دیگران هم در عین به ارث بردن سنت‌شان در حفظ بخش‌های ارزشمند سنت‌شان علی‌الاصول موجه‌اند. در یک کلام، سنت گریزناپذیر است؛ به طوری که اگر سنت را از کسی بپذیریم تفکر را از او گرفته‌ای. تفکر در خلاف شکل نمی‌گیرد بلکه درون سنتی شکل می‌گیرد، ولو این‌که واکنش به آن سنت، به شکل متناقض‌نمایی خود موجب شکل‌گیری سنت جدیدی شود. پیامبران از این جهت سنت‌شکنان سنت‌ساز تاریخ‌اند. عموماً فراموش می‌کنیم که عیسی خود یهودی اصلاح‌گری بود اما میراث او موجب تولد دین جدیدی شد. محمد ابن عبدالله خود در زمره حنفه بود و قصد داشت قوم خود را به پیام ابراهیمی بازگرداند اما میراث او موجب تولد دینی جدید شد. این بدان معنا است که، به شکلی که در یک کلام، سنت گریزناپذیر است؛ به طوری متناقض‌نما، برای سنتی نبودن هم باید سنتی بود. یعنی برای پرواردن سنتی جدید هم باید سنت قدیم را (باز) شناخت و از امکانات آن برای فراروی از سنت و بساختن سنتی جدید بهره برد. در غیر این صورت، پنجه انداختن بی ریشه به سنت ریشه‌دار...

دین



آقای یوسف رسولی فرزند رسول بدین وسیله به شما اخطار میشود ظرف یک هفته از تاریخ نشر آگهی جهت اجرای دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۰۳۹۰۰۳۳۱۵۳۴۴ صادره از شعبه ۲ دادگاه خانواده تبریز و تنظیم و امضای سند طلاق در دفتر طلاق شماره ۳۳ واقع در آدرس فوق (تبریز چایکنار -پشت ساختمان بیمه تامین اجتماعی -اول خیابان هدشقیه -پلاک ۲۳۰) حاضر شوید و یا چنانچه به هر دلیلی واجد عذر هستید اعلام کنید در غیر اینصورت برابر مقررات طلاق شما به درخواست همسرتان ثبت خواهد شد

سر دفتر طلاق شماره ۶۳ تبریز